



* در جهان نهست (مجازی) گفته ای از **حسین هیکل** نویسنده ی **مِسرِی** دست به دست می چرخد :
- آن گفته چنین است: « اگر ما **مِسرِی** ها کسی مانند **فردوسی** می داشتیم، عرب زبان نمی شدیم. »

* **حسین هیکل** نویسنده ی و روزنامه نگار شناخته شده ی **مِسرِی** بود که به درازای ۱۷ سال سردبیری رسانه ی **الاهرام** را داشت.

- او در ۲۳ سپتامبر ۱۹۲۳ چشم به جهان گشود و در ۱۷ فوریه ۲۰۱۶ ترسایی چشم از جهان فرو بست
- همچنین او یکی از مردان بزرگ **مِسرِی** بود که در بخش **ایران** از آگاهی های گسترده ای برخوردار بود.

* ما ایرانیان می باید به **فردوسی** بزرگ ببالیم و از داشتن چنین فرهیخته ای سرفراز باشیم و **شاهنامه** ی او را بر چشم نهاده و پیشنهادهای و آموزش های آن را به کار بندیم.

* **شاهنامه** گنجینه ایست در بر گیرنده ی اندیشه های آدمی گری.

- در این بازمانده که از **فردوسی** بزرگ برای ما به یادگار مانده، جهان میدان نبرد میان دو نیروی خوب و بد است.
- باورهای کهن ایران چنین بوده که دیوان و اهریمنان پیوسته در پیکار هستند تا تاریکی و نادانی را در جهان بگسترانند.
این آدمی است که با خرد خود درمی یابد که راه اهریمنان راه نادرست می باشد و با پیروزی بر اهریمنان است که روشنایی بر تاریکی چیره گشته و داد و راستی و درستی جهان گستر می شود.

- این روزها شاهنامه ی فردوسی بزرگ و آموزش های آن بیش از هر روز و هر زمان دیگری به کار ما می آید.
 - می دانیم که ایران ما این روزها در چنگ ضحاک به نام خامنه ای گیر و گرفتار آمده است
 - این روزها ضحاک زمانه ی ما خامنه ای نام دارد. او برای بر سر کار ماندن جوانان و ایرانیان را می کُشد.
 - در جایی خواندم
- « محمدرضاشاه پهلوی از ایران بیرون رفت که مردم را نکُشد. خامنه ای می کُشد برای این که بر سر کار بماند.»

* فردوسی بزرگ در شاهنامه برای هر زمانی از زندگی و برای هر رخدادی به ما ایرانیان آموزش هایی داده است. و این بر ماست که در هر گاه از زمان، به ویژه در روزگاران سختی و بدبختی، به شاهنامه روی آورده و پند و اندرزهای آن را به کار بندیم.

- ما یا شاهنامه ی فردوسی و آنچه در آن آمده است را پذیرفته و راهنمای خود می دانیم، یا تنها برای دلخوشی خود و خودنمایی می گوئیم که شاهنامه را خوانده ایم و می خوانیم و از آن می آموزیم.

* برای نمونه داستان ضحاک ماردوش و اینکه ایرانزمین در چنگال او گیر و گرفتار بوده است و اینکه سر انجام او چه می شود، همه و همه را فردوسی بزرگ به شیرینی برای ما ایرانیان بازشکافی نموده است.

- فردوسی بزرگ در این بخش از شاهنامه بازگو می کند که با دشمن ایران و ایرانی چگونه می باید رفتار کرد.

* ببینیم در شاهنامه داستان ضحاک ، به کجا می انجامد.

همان تیز خنجر کشید از نیام
 نه بگشاد راز و نه بر گفت نام
 ز بالا چو پی بر زمین بر نهاد
 بیامد فریدون به کردار باد
 بدان گرزه ی گاو سر، دست برد
 بزد بر سرش، ترک شکست خرد
 همیدون شکسته ببندش چو سنگ
 ببر تا دو کوه ایدت پیش ، تنگ
 بر آن گونه ضحاک را بسته سخت
 سوی شیر خوان برد بیدار بخت
 همی راند او را به کوه اندرون
 همی خواست، کردن سرش را نگون
 همانکه بیامد خجسته سروش
 به چربی یکی راز گفتش به گوش
 که این بسته را تا دماوند کوه
 ببر همچنین تا زنان بی گروه
 بیاورد ضحاک را چون نوند
 به کوه دماوند کردش به بند

- می بینیم که فریدون با نکشتن ضحاک و با در غل و زنجیر کردن او، خواری و زبونی بسیاری به او روا داشته است.

- فریدون با در بند کردن ضحاک توانایی بی چون و چرای خویش را به نمایش می گذارد که اگر ضحاک را می کشت، توانمندی و جزب او این چنین جلوه گر نمی شد. در این داستان فریدون از خرید خود یاری گرفته است

فردوسی در ستایش خرد می سراید:

خرد رهنمای و خرد دلگشای
 خرد دست گیرد به هر دو سرای
 کسی کو خرد را ندارد ز پیش
 دلش گردد از کرده ی خویش ریش

* فردوسی بزرگ در شاهنامه اش هرگز و هرگز کشتن را نستوده و پیشنهاد نکرده است. باور او بر این بوده که :

این پروردگار است که جان می دهد و هم اوست که جان می ستاند

* به اینگونه فردوسی گرانمایه در شاهنامه اش به ما آموزش بزرگی می دهد.

- آموزشی که فردوسی در شاهنامه اش به ما می دهد این است :

« تو ای ایرانی که توانایی نداری جان به تن کسی بدمی، پس نمی باید جان کسی را هم (هاتا اگر ضحاک باشد)، بگیری.

* ما ایرانیان نمی باید تنها به خواندن شاهنامه بسنده کنیم. می باید پند و اندرزهای آن را به کار بندیم. پیروی از رهنمودهای شاهنامه است که ایران را از پیش آمدن یک جنگ درونی به دور نگه می دارد.



اشگ سوسمار (تمساح)

* امیدوارم هر چه زودتر گواه سرنگونی جمهوری اسلامی و رهبرش باشیم.

نویسنده : ژاله دفتریان

آذر ماه ۲۵۸۱ ایرانی

نوامبر ۲۰۲۲ ترسایی